

## طراحی و اعتبارسنجی مدل امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب‌وکار

قاسم رضایی<sup>۱</sup>، الهام کاویانی<sup>۲\*</sup>، مریم اسلام پناه<sup>۲</sup>، سوسن لایبی<sup>۲</sup>

Received: 07/10/2019  
Accepted: 12/03/2020

صفحات: ۱۵۹-۱۳۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵  
پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

### چکیده

تحقیق حاضر از جمله تحقیقات آمیخته می‌باشد که به صورت روش‌های کیفی و کمی انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی شامل متخصصان کارآفرینی و کسب‌وکار و همچنین مدیران و صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش بودند که بر این اساس تعداد ۱۳ نفر به عنوان نمونه تحقیق در بخش کیفی مشخص شدند. همچنین جامعه آماری در بخش کمی شامل متخصصین کارآفرینی و کسب‌وکار، مدیران و صاحب‌نظران حوزه‌ای آموزش و پرورش و همچنین اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزه کارآفرینی و آموزش و پرورش بود که تجربه و تخصص کافی در خصوص مدارس کسب‌وکار داشتند. بر اساس برآوردهای اولیه تعداد جامعه آماری بخش کمی شامل ۲۵۰ نفر بود. بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد، ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. ابزار تحقیق شامل مصاحبه‌های نیمه‌هوشمند و پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود. در قسمت تجزیه و تحلیل کیفی تحقیق از کدگذاری به صورت کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید. همچنین در قسمت تجزیه و تحلیل کمی تحقیق، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری و معادلات ساختاری استفاده شده است. تمامی روند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در نرم‌افزارهای SPSS و PLS انجام گرفت. نتایج کیفی تحقیق نشان داد که ۳۹ ویژگی از طریق مصاحبه‌های انجام شده استخراج گردید که این ویژگی‌ها در ۷ دسته شامل جنبه انگیزشی، فنی، انسانی، قانونی، برنامه‌ریزی، سازمانی و فرهنگی دسته‌بندی گردیدند. نتایج تحقیق نشان داد که به علت مناسب بودن شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا، R2، Q2 و GOF، مدل تحقیق حاضر از اعتبار مناسبی برخوردار می‌باشد.

**کلید واژگان:** مدارس کسب‌وکار، کارآفرینی، طراحی مدل، اعتبارسنجی.

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲- استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Email: eli.kaveani@gmail.com

\* نویسنده مسئول:

۳- استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۴- استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

## مقدمه

یکی از معضلات امروزی در سطح جهان، رفع مشکلات بیکاری می‌باشد. بدون شک مشکل بیکاری، عارضه‌ای می‌باشد که کشورهای بیشماری با آن مواجه شده‌اند. این مسئله سبب گردیده است تا امروزه شکل‌گیری، ایجاد و رونق کسب‌وکارها به‌عنوان از ضروریات بهبود اشتغال و کارآفرینی باشد (Kondoh & Mishima, 2011). از این‌رو نیاز است تا جهت ارتقا کسب‌وکارهای مختلف در سطح جامعه، گروه‌های هدف به‌صورت کامل آموزش ببینند و مهارت لازم را کسب نمایند. این مسئله سبب گردیده است تا ایجاد سازوکارهایی جهت بهبود آموزش‌ها و مهارت‌ها در خصوص کسب‌وکار و کارآفرینی به‌عنوان از نیازهای مهم رفع معضلات مربوط به اشتغال و تولید مشخص گردد (Fellnhofer, 2017). یکی از راهکارهای جدید که در جهت رفع مشکلات اشتغال و کارآفرینی وجود دارد، ایجاد مدارس کسب‌وکار می‌باشد. مدارس کسب‌وکار باهدف توسعه و گسترش آمادگی استعدادها در جهت حضور در بازار کار ایجاد گردیده است. امروزه مدارس کسب‌وکار به آموزش مفاهیم مختلف در جهت تکامل افراد در جهت حضور در بازارهای شغلی و همچنین استخدام در مشاغل مختلف می‌پردازد (O'Connor, 2011).

خوابگاه‌های سازمان‌ها و شرکت‌های امروزی نشان می‌دهد که می‌بایستی آموزشی‌های ترکیبی به افراد ارائه شود که شامل مهارت‌های اکتشافی می‌باشد که توانایی تحلیل افراد را بالا برد. این مسئله تفکرات سنتی به آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها را به چالش می‌کشد (Glen, Suci & Baughn, 2014). امروزه مدارس کسب‌وکار به‌عنوان بزرگ‌ترین واحد دانشگاهی در سطح بسیاری از کشورها مطرح هستند و در بین رشته‌ها از بیشترین اقبال در بین دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی برخوردار هستند. این موفقیت موجب اهمیت و توجه بسیار زیاد به این حوزه شده است (Agha Miri, 2013). شکل‌گیری مدارس کسب‌وکار در سطح جهان در حال افزایش می‌باشد و علاقه‌مندان زیادی در این مدارس در حال آموزش می‌باشند (Lejeune, Starkey, Kalika, & Tempest, 2018). افراد حاضر در مدارس کسب‌وکار اطلاعاتی در خصوص مباحث مختلف ازجمله حسابداری، مدیریت، رفتار سازمانی، اقتصاد و استراتژی را فرامی‌گیرند. هرچند در سال‌های اخیر برخی مباحث دیگر ازجمله مدیریت ریسک، مدیریت ذینفعان، اخلاق و پایداری نیز در برخی مدارس کسب‌وکار آموزش داده شده است (Mitroff, Alpaslan & O'Connor, 2014). مدارس کسب‌وکار با مهیا نمودن افراد جهت خوداشتغالی، کارآفرینی و استخدام در سازمان‌ها و شرکت‌ها سبب می‌گردد تا افراد از استعدادهای خود به نحوه مناسبی بهره‌گیرند (Glen, Suci & Baughn, 2014). در کنار تمامی پتانسیل‌های

مدارس کسب‌وکار، ضعف‌هایی در خصوص مدارس کسب‌وکار وجود دارد که سبب گردیده است تا آینده این مدارس را به خطر بی‌اندازد (Agha Miri, 2013). (Arnold, 2018) نیز اشاره داشتند که مدارس کسب‌وکار در صورتی که به صورت ساختارمند و اصولی اجرا و مدیریت نگردد، سبب افزایش بی‌اخلاقی در جوامع می‌گردد. مدارس کسب‌وکار، با جذب استعدادها با قابلیت‌های بین‌المللی جهت تجاری‌سازی دانش در سطح جهان به فعالیت مشغول می‌گردند (Ryazanova, 2017). (McNamara & Aguinis, 2017). امروزه خطرات جدی مدارس کسب‌وکار را مواجه نموده است. عدم تطابق برنامه‌های درسی با نیازهای افراد و نگرش سنتی به مدارس سبب می‌گردد تا کارایی مدنظر را نتوان از این مدارس داشت (Mintzberg, 2009). فقدان مدارس کسب‌وکار در هر محیطی سبب می‌گردد تا توانایی‌های کارآفرینی و خلق دانش و محصول دچار مشکلات اساسی شود. از طرفی عدم توسعه مدارس کسب‌وکار سبب گردیده است تا امروزه برخی مفاهیم از جمله خلاقیت و کارآفرینی در حد حرف بماند و عملی در این حوزه انجام نگردد (Agha Miri, 2013).

در جهت بهبود مدارس کسب‌وکار، تحقیقاتی به صورت پراکنده به انجام رسیده است. (Rodríguez & Fraile, 2018) پس از بررسی‌های خود پی بردند که در مسیر توسعه مدارس کسب‌وکار نیاز به همبستگی عمیق میان ارکان و سازمان‌های یک جامعه در جهت شکل‌گیری یک تلاش منظم می‌باشد. (Brink, Palmer & Costigan, 2018) پس از بررسی‌های خود پی بردند که توجه به استانداردهای انجمن‌های معتبر در جهت تنظیم آموزش‌ها در مدارس کسب‌وکار لازم و ضروری می‌باشد. (Winarno, Wijijayanti, Agustina, Churiyah & Basuki, 2019) اشاره داشتند که مدارس کارآفرینی و احداث آن یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی می‌باشد. (Nasr Esfahani, Shahin, Hekmat Panah & Nasry, 2019) پس از بررسی‌های خود پی بردند که مدارس کارآفرین و مدیریت صحیح این نوع مدارس می‌تواند موتور محرکی برای رشد اقتصادی کشور باشد و آموزش دانش‌آموزان در دوران نوجوانی و جوانی بر اساس ذهنیت کارآفرینی، می‌تواند نقش بسزایی در توسعه مقوله کارآفرینی در کشور باشد و موجب افزایش اشتغال باثبات و پایدار باشد. (Hovaida, Ghafari & Dolatia, 2018) اشاره داشتند که از جمله الزامات مدارس کارآفرین می‌توان به تقویت کارگروهی، چگونگی ارائه ایده‌ها، آموزش چگونگی تبدیل ایده‌ها به کسب‌وکار، آموزش مراحل تبدیل ایده‌های ذهنی به تجاری و آشنایی صاحبان ایده با بازار کسب‌وکار اشاره نمود. (Ranjith & Kulkarni, 2018) پس از بررسی‌های خود پی بردند که دانش و نوآوری از جمله مسائل مهم در جهت جلب رضایت دانشجویان در مورد روند آموزشی مدرسه کسب‌وکار در شهر مومبئی می‌باشد. (Nejati &

Mehdinia (2018) در تحقیق خود که باهدف الگوی مناسب پیشرفت مدیریتی برای مدیران مدارس کارآفرین انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که ویژگی‌های استقلال، خودباوری، اعتمادبه‌نفس، ریسک‌پذیری و خلاقیت ازجمله ویژگی‌های مهم مدیریتی در جهت بهبود مدیران مدارس کارآفرین می‌باشد. فقدان تحقیقات سبب گردیده است تا شاهد بی‌نظمی‌هایی در احداث و راه‌اندازی این مدارس وجود داشته باشد که نتیجه آن عدم کارآمدی این مدارس در دستیابی به اهداف خود می‌باشد (Brink, Palmer & Costigan, 2018). کارآفریای به‌عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی و نوآوری در نظر گرفته شده است (Taghioir, Etebarian & Taghipour, 2019). در سال‌های اخیر در ایران نیز کارآفرینی با نگاهی مثبت دنبال می‌شود؛ هرچند آثار آن در توسعه کسب‌وکار هنوز محسوس نیست (Hajiaghae & Khalkhali, 2019). در مسیر توسعه کارآفرینی مدارس کسب‌وکار نقش مهمی دارند. کارکردهای مدارس کسب‌وکار در آموزش و پرورش استعدادها سبب گردیده است تا از آن در کشورهای پیشرفته استفاده لازم برده شود. این مسئله سبب گردیده است تا نیاز به توسعه مدارس کسب‌وکار در کشور ایران بهبود یابد. از طرفی استفاده از آمایش سرزمینی در توسعه مدارس کسب‌وکار سبب می‌گردد تا بتوان برنامه‌ریزی مناسبی در جهت پیاده‌سازی و فعالیت مدارس کسب‌وکار را داشت. این مسئله سبب گردیده است تا انجام تحقیق در خصوص طراحی مدل امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب‌وکار بر اساس آمایش سرزمین سبب گردد تا بتوان راهکارهای عملیاتی در مناطق مختلف کشور ایران در جهت توسعه و بهبود مدارس کسب‌وکار را دارا بود.

انجام تحقیق حاضر می‌تواند سبب ایجاد راهکارهای مناسب جهت توسعه مدارس کسب‌وکار گردد. از طرفی با توجه به عدم رشد مدارس کسب‌وکار در کشور ایران، انجام تحقیق حاضر می‌تواند شرایط بومی مطابق با کشور ایران جهت توسعه این مدارس را مشخص نماید. همچنین انجام تحقیق حاضر می‌تواند سبب ارتقا دانش عمومی در خصوص مدارس کسب‌وکار گردد و در نهایت منجر به شکل‌گیری دغدغه جهت توسعه مدارس کسب‌وکار در سطوح مختلف کشور گردد. از طرفی عدم انجام تحقیق حاضر می‌تواند سبب بروز ابهامات اساسی در مسیر رشد مدارس کسب‌وکار گردد. همچنین عدم انجام تحقیق حاضر سبب می‌گردد تا راهکارهای مناسبی جهت توسعه این مدارس ایجاد نگردد و همچنین شاهد شکست طرح‌های ایجاد و توسعه مدارس کسب‌وکار گردد. همچنین عدم انجام تحقیق سبب می‌گردد تا نتوان از متغیرهای مؤثر بر توسعه این مدارس بهره لازم را برد و بدون شک سبب کاهش کارآمدی مدارس کسب‌وکار

گردد. فقدان تحقیقات در این حوزه سبب گردیده است تا جهت بهبود و کارآمدی مدارس کسب و کار اطلاعات کافی در دست نباشد و از طرفی فقدان تحقیقات در این حوزه سبب کاهش میزان ضرورت و توجه به توسعه مدارس کسب و کار در کشور ایران شده است. به صورتی که امروزه مدارس کسب و کار در مسیر توسعه و بهبود قرار نگرفته‌اند و از کارآمدی شگرفی برخوردار نمی‌باشند. این مسئله سبب گردیده است تحقیق حاضر باهدف طراحی مدل امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار طراحی و اجرا گردد. با این توجه تحقیق حاضر به دنبال بررسی سؤالات زیر می‌باشد؟

### سؤالات بخش کیفی

۱. جنبه‌های مختلف امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار چه می‌باشد؟
۲. دسته‌بندی جنبه‌های مختلف امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار چه می‌باشد؟

### سؤالات بخش کمی

۱. مدل ساختاری امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار به چه صورت می‌باشد؟
۲. مدل معادلات ساختاری امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار به چه صورت می‌باشد؟
۳. برازش و اعتبار مدل معادلات ساختاری امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب و کار به چه صورت می‌باشد؟

### پیشینه تحقیق

در تحقیق خود (Nasr Esfahani, Shahin, Hekmat Panah & Nasry (2019) که باهدف فلسفه مدارس کارآفرین و مدیریت در مدارس کارآفرین و نقش و تأثیر کتب کارآفرینی در مدارس و دبیرستان‌های کارآفرین در ایران انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که مدارس کارآفرین و مدیریت صحیح این نوع مدارس می‌تواند موتور محرکی برای رشد اقتصادی کشور باشد و آموزش دانش‌آموزان در دوران نوجوانی و جوانی بر اساس ذهنیت کارآفرینی، می‌تواند نقش بسزایی در توسعه مقوله کارآفرینی در کشور باشد و موجب افزایش اشتغال بایات و پایدار باشد. (Hovaida, Ghafari & Dolatia (2018) در تحقیق خود که باهدف کارآفرینی،

مدرسه کارآفرین، الزامات مدرسه کارآفرین انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که از جمله الزامات مدارس کارآفرین می‌توان به تقویت کارگروهی، چگونگی ارائه ایده‌ها، آموزش چگونگی تبدیل ایده‌ها به کسب‌وکار، آموزش مراحل تبدیل ایده‌های ذهنی به تجاری و آشنایی صاحبان ایده با بازار کسب‌وکار اشاره نمود. (Nejati & Mehdinia (2018) در تحقیق خود که باهدف الگوی مناسب پیشرفت مدیریتی برای مدیران مدارس کارآفرین انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که ویژگی‌های استقلال، خودباوری، اعتمادبه‌نفس، ریسک‌پذیری و خلاقیت از جمله ویژگی‌های مهم مدیریتی در جهت بهبود مدیران مدارس کارآفرین می‌باشد. (Agha Miri (2013) در تحقیق خود که باهدف انتقادات وارد بر مدارس کسب‌وکار، مرور ادبیات و تجربیات انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که برخی ضعف‌ها در خصوص منابع درسی و شیوه‌های آموزشی و همچنین عدم تطابق با نیازهای افراد سبب گردیده است تا مدارس کسب‌وکار با مشکلات جدی مواجه شوند.

در تحقیق خود (Winarno, Wijijayanti, Agustina, Churiyah & Basuki (2019) که باهدف یکپارچه‌سازی مدارس تخصصی با شرکت‌های کوچک و متوسط جهت توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که مدارس کارآفرینی و احداث آن یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی می‌باشد. (Rodríguez & Fraile (2018) در تحقیق خود که باهدف مشارکت اجتماعی شرکتی در برنامه‌های آموزشی، سیاست‌ها، فرایندها و رویه‌های مدارس کسب‌وکار انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که در مسیر توسعه مدارس کسب‌وکار نیاز به همبستگی عمیق میان ارکان و سازمان‌های یک جامعه در جهت شکل‌گیری یک تلاش منظم می‌باشد. (Ranjith & Kulkarni (2018) در تحقیق خود که باهدف درک و رضایت دانشجویان در مورد روند آموزش مدرسه کسب‌وکار در شهر مومبی انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که دانش و نوآوری از جمله مسائل مهم در جهت جلب رضایت دانشجویان در مورد روند آموزشی مدرسه کسب‌وکار در شهر مومبی می‌باشد. (Brink, Palmer & Costigan (2018) در تحقیق خود که باهدف اهداف یادگیری در مدارس کسب‌وکار انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که توجه به استانداردهای انجمن‌های معتبر در جهت تنظیم آموزش‌ها در مدارس کسب‌وکار لازم و ضروری می‌باشد (Peters, Kallmuenzer & Buhalis (2018) در تحقیق خود که باهدف بررسی نقش گرایش کارآفرینانه بر میزان رشد کسب‌وکار انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که گرایش کارآفرینانه به‌واسطه رشد و گسترش نوآوری سبب بهبود رشد کسب‌وکار می‌گردد. (Eshima & Anderson (2017) در

تحقیق خود که باهدف بهبود رشد کسب‌وکار انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که گرایش کارآفرینانه به‌واسطه بهبود ظرفیت‌ها در سازمان‌ها سبب افزایش کسب‌وکار و بهبود کیفیت کسب‌وکار در سازمان‌ها می‌گردد. (Pfeffer & Fong, 2004) در تحقیق خود که باهدف بررسی کسب‌وکار شکل گرفته‌شده از جانب مدارس کسب‌وکار در کشور امریکا، انجام گرفت، پس از بررسی‌های خود پی بردند که اگرچه در این مدارس جهت‌گیری بازار آموزش و تعلیم داده می‌شود اما فاقد برخی اصول اخلاقی حرفه‌ای می‌باشد که می‌بایستی استانداردهای اخلاقی در این مدارس طراحی و ایجاد گردد.

### روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع، تحقیقات کاربردی می‌باشد که به‌صورت میدانی انجام گردید. روش تحقیق حاضر از نظر روش گردآوری داده‌ها آمیخته بود که به‌صورت کیفی-کمی اجرایی گردید. طرح تحقیق حاضر از نوع اکتشافی متوالی بود. بدین‌صورت که ابتدا بخش کیفی در جهت شناسایی جنبه‌های مختلف امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب‌وکار انجام و در ادامه بخش کمی جهت بررسی آماری، یافته‌های بخش کیفی انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی شامل متخصصان کارآفرینی کسب‌وکار و همچنین مدیران و صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش بودند که در خصوص موضوع پژوهش تحقیق تجربه و آگاهی لازم مشخص گردیدند. به‌منظور شناسایی این نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای استفاده گردید. این روش نمونه‌گیری هدفمند، جهت به تصویر کشیدن ویژگی‌ها و نظارت افراد در گروه‌های مختلف می‌باشد (Jalaly, 2013). با توجه به اینکه در تحقیق حاضر گروه‌های مختلفی شامل متخصصان کسب‌وکار، اساتید دانشگاهی و خبرگان آموزش و پرورش وجود داشتند، نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای جهت پاسخ به تفاوت‌های موجود انجام گردید. این نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت تعداد ۱۳ نفر به‌عنوان نمونه در بخش کیفی مشخص گردیدند. همچنین جامعه آماری در بخش کمی شامل متخصصین کارآفرینی و کسب‌وکار، مدیران و صاحب‌نظران حوزه‌ای آموزش و پرورش و همچنین اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزه کارآفرینی و آموزش و پرورش بود که تجربه و تخصص کافی در خصوص مدارس کسب‌وکار داشتند. بر اساس برآوردهای اولیه تعداد آنان شامل ۲۵۰ نفر بود. بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد، ۱۴۸ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. پس از پخش و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۱۳۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جهت پخش پرسشنامه‌ها

از روش ارسال پرسشنامه به صورت حضوری، پست الکترونیک، فضای مجازی و همچنین حضور در مجامع و همایش‌های کسب‌وکار ملی استفاده گردید. ابزار تحقیق شامل مصاحبه‌های نیمه‌هوشمند و پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که با توجه به اهداف و روش تحقیق، این پرسشنامه به دو شکل طراحی گردید. جهت تهیه پرسشنامه تحقیق، از مصاحبه‌های کیفی و همچنین بررسی مبانی نظری موجود در حوزه تحقیق استفاده گردید. این پرسشنامه به بررسی و مطالعه جنبه‌های توسعه مدارس کسب‌وکار شامل هفت جنبه انگیزشی، فنی، انسانی، قانونی، برنامه‌ریزی، سازمانی و فرهنگی پرداخته بود. به‌طور کلی این پرسشنامه حاوی ۳۹ سؤال بود که سؤالات آن طراحی مدل امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب‌وکار را مورد بررسی قرار می‌داد. ابتدا به‌منظور ساختاردهی به این موانع با توجه به استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، سؤالات به صورت مقایسه زوجی طراحی گردید. سپس به‌منظور آزمون مدل ترسیم‌شده در قالب روش معادلات ساختاری، سؤالات به صورت طیف ۵ ارزشی لیکرت طراحی گردید. روایی محتوایی این دو پرسشنامه با استفاده از نظرات ۸ تن از اساتید دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. تمامی روند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در نرم‌افزارهای SPSS و PLS انجام گرفت.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری تحقیق حاضر در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی تحقیق

| درصد | فراوانی | گروه‌ها       | ویژگی‌های جمعیت شناختی |                |
|------|---------|---------------|------------------------|----------------|
| ۶۱/۵ | ۸       | مرد           | جنسیت                  | بخش کیفی تحقیق |
| ۳۸/۵ | ۵       | زن            |                        |                |
| ۶۹/۲ | ۹       | دکتری         |                        |                |
| ۳۰/۸ | ۴       | کارشناسی ارشد | سطح تحصیلات            | بخش کمی تحقیق  |
| ۷۶/۳ | ۱۰۳     | مرد           | جنسیت                  |                |
| ۲۳/۷ | ۳۲      | زن            |                        |                |
| ۵۰/۴ | ۶۸      | دکتری         |                        | بخش کمی تحقیق  |
| ۳۳/۳ | ۴۵      | کارشناسی ارشد | سطح تحصیلات            |                |
| ۱۶/۳ | ۲۲      | کارشناسی      |                        |                |



نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که نمونه‌های بخش کیفی تحقیق شامل ۶۱/۵٪ مرد و ۳۸/۵٪ زن بودند. همچنین از این میان نمونه‌های تحقیق افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری با ۶۹/۲٪ بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. نتایج توصیفی مربوط به وضعیت جنسیت نمونه تحقیق در بخش کمی حاضر نشان داد که ۷۶/۳٪ از افراد شرکت‌کننده در تحقیق مردان و ۲۳/۷٪ زنان می‌باشند. نتایج یافته‌های توصیفی تحقیق همچنین نشان داد که از میان نمونه‌های تحقیق، افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری با ۵۰/۴٪ بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. به‌منظور شناسایی بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مدارس کسب‌وکار از بررسی نظرات خبرگان در قالب روش کیفی استفاده گردید. پس از انجام کدگذاری‌ها، ویژگی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص گردید. به‌منظور شناسایی جنبه‌های مختلف امکان‌سنجی توسعه مدارس کسب‌وکار از بررسی نظرات خبرگان در قالب روش کیفی استفاده گردید. به‌منظور بررسی بخش کیفی تحقیق حاضر از روش پدیدار شناختی استفاده گردید. در پژوهش حاضر از روش پدیدارشناسی توصیفی شامل سه مرحله درک مستقیم، تجزیه و تحلیل و توصیف استفاده شد. در مرحله درک مستقیم، محقق کاملاً در پدیده موردنظر غوطه‌ور می‌شود. در این فرآیند، محقق ضمن اجتناب از هر گونه نقد، بررسی و اظهارنظر شخصی، پدیده موردنظر را آن‌گونه می‌شناسد که مشارکت‌کنندگان توصیف می‌کنند. در مرحله تجزیه و تحلیل، محقق به دنبال تشخیص جوهره‌ی پدیده موردنظر و تم‌های اصلی و مشترک است. در مرحله‌ی توصیف که مرحله آخر و مکمل مراحل قبلی است، اجزاء اصلی و شاخص پدیده‌ها به هم مرتبط شده و تم‌ها و جوهره‌های موجود در پدیده‌ها گروه‌بندی می‌شوند (Holloway & Wheeler, 2002). روش پدیدارشناسی یکی از انواع روش‌های تحقیق کیفی می‌باشد. این رویکرد با توجه به اصول هستی‌شناختی خود تا حد امکان بر تجربه‌های دست‌اول یا تجربه زیسته متمرکز شده و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می‌نماید، چراکه امکان ورود به لایه‌های معنایی تجربه‌های دست‌دوم را نداشته و در صورت استفاده به تولید معرفتی مخدوش و تحریف‌شده می‌انجامد. دریافت تجربه‌های دست‌اول یا تجربه زیسته تنها از طریق مصاحبه با افرادی صورت می‌گیرد که خود این تجربه را داشته‌اند. بنابراین پس از انجام مصاحبه‌های تحقیق و انجام کدگذاری‌ها، ویژگی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص گردید و جمع‌بندی گردید. جدول شماره ۲ نتایج بخش کیفی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج بخش کیفی

| مقوله تا  | ویژگی های استخراج شده  |
|---|--|
| جنبه های انگیزشی  | - حمایت مدارس کسب و کار از انجام فعالیت های عملی متقاضیان                              |
|   | - انطباق آموزش های انجام شده در مدارس کسب و کار با نیازهای واقعی جامعه                 |
|   | - امکان انتقال دانش از مدارس کسب و کار به عرصه صنعت                                    |
|   | - تسهیل فرایندهای جذب و ورود متقاضیان به مدارس کسب و کار                               |
|   | - حمایت مدارس کسب و کار از شکل گیری کسب و کارهای محلی و بومی                           |
| جنبه های فنی  | - ارتقا زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات در محیط های احداث مدارس کسب و کار        |
|   | - بهبود دانش فنی در خصوص کسب و کار   |
|   | - ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص کسب و کارهای موجود در کشور                               |
|   | - تعیین دقیق محتوای فعالیتی و عملکردی مدارس کسب و کار                                  |
|   | - مشخص نمودن بسترهای کاری و تجاری در عرصه صنعت توسط مدارس کسب و کار                    |
| - ایجاد و برپایی مدارس کسب و کار در مناطق مرکزی شهرها       |  |
| جنبه های انسانی   | - ایجاد تشکلهای مردم نهاد در جهت بهبود فعالیت های مربوط به مدارس کسب و کار             |
|   | - ارتقا مهارت کارکنان و مدیران مدارس کسب و کار جهت عملی نمودن اهداف خود                |
|   | - جذب و توانمندسازی نیروی انسانی کارآمد در خصوص مدارس کسب و کار                        |
| - استفاده از متخصصان خبره عرصه کسب و کار در مدارس کسب و کار |  |
| جنبه های قانونی   | - منعطف نمودن قوانین مربوط مدارس کسب و کار جهت گسترش دامنه فعالیت آنان                 |
|   | - افزایش انعطاف پذیری قوانین مدارس کسب و کار در مقابل با تغییرات محیطی                 |
|   | - وجود قوانین شفاف در خصوص حمایت از مدارس کسب و کار                                    |
|   | - تنظیم آیین نامه های مقرراتی و حمایتی از مدارس کسب و کار                              |
|   | - ایجاد قوانین متناسب با ویژگی های مناطق و تفاوت های جغرافیایی و فرهنگی موجود در کشور  |
| جنبه های برنامه ریزی  | - ایجاد برنامه های عملیاتی شفاف جهت توسعه مدارس کسب و کار                              |
|   | - ایجاد تصمیم گیری های مشارکتی جهت بهبود فرایندهای مربوط به مدارس کسب و کار            |
|   | - وجود رویه ها و برنامه های نظارتی بر مدارس کسب و کار                                  |
|   | - تمرکز اهداف مدارس کسب و کار بر حل مسائل و مشکلات کشوری                               |
|   | - هدف گذاری مناسب برای متقاضیان در مدارس کسب و کار متناسب با ویژگی ها و مهارت های آنان |
|   | - جذب سرمایه های مالی از منابع مختلف جهت استفاده در مدارس کسب و کار                    |

| ویژگی های استخراج شده   | مقوله تا         |
|---|------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش حمایت های مالی و تسهیلاتی از متولیان مدارس کسب و کار</li> <li>- ارتقا همکاری های بین سازمانی جهت توسعه مدارس کسب و کار</li> <li>- کمی نمودن اهداف مدارس کسب و کار</li> <li>- بهبود تبلیغات محیطی جهت نمایش فعالیت های مربوط به مدارس کسب و کار</li> <li>- ایجاد ارتباطات بین المللی جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار</li> <li>- ایجاد شفافیت در خصوص اهداف مدنظر از ایجاد مدارس کسب و کار</li> <li>- ایجاد ارتباط بین مدارس کسب و کارها و شرکتها، کارخانه ها و کسب و کارهای منطقه ای</li> </ul> | جنبه های سازمانی |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- همراستایی اهداف مدارس کسب و کار با اهداف شغلی و کارآفرینی کشور</li> <li>- ارتقا دانش و آگاهی مدیران ارشد کشور در خصوص کارکردهای مدارس کسب و کار</li> <li>- ارتقا سطح کیفی محتوای علمی و عملی مدارس کسب و کار</li> <li>- بهبود جایگاه کسب و کار در کشور ایران</li> <li>- برگزاری نشست ها و همایش ها جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار در سطح عالی مدیریتی کشور</li> <li>- توجه به تنوع فرهنگی در مسیر آموزش های مدارس کسب و کار</li> </ul>   | جنبه های فرهنگی  |

مطابق با نتایج بخش کیفی تحقیق، جهت توسعه مدارس کسب و کار هفت جنبه انگیزشی، فنی، انسانی، قانونی، برنامه ریزی، سازمانی و فرهنگی نیاز می باشد. به منظور ساختاردهی به عوامل شناسایی شده از روش مدل سازی ساختاری تفسیری استفاده گردید. جدول شماره ۳ نتایج مربوط به خروجی ها، ورودی ها و اشتراک های جنبه های شناسایی شده را به نمایش گذاشته است.

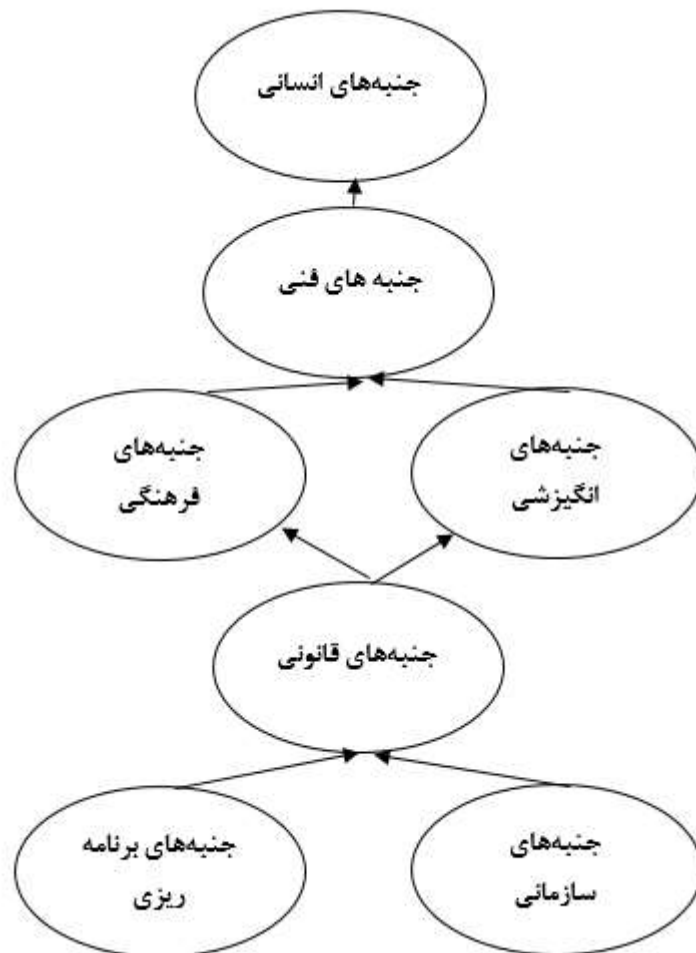
جدول ۳: خروجی ها، ورودی ها و اشتراک ها

| تکرار | مقوله | خروجی | ورودی | اشتراک | سطح |
|-------|-------|-------|-------|--------|-----|
| اول   | ۱     | ۳-۲-۱ | ۶-۴-۱ | ۱      |     |
|       | ۲     | ۷-۲   | ۲-۱   | ۲      |     |
|       | ۳     | ۷-۳   | ۳-۱   | ۳      |     |
|       | ۴     | ۴-۱   | ۴     | ۴      |     |
|       | ۵     | ۵     | ۵     | ۵      | ۱   |
|       | ۶     | ۶-۱   | ۶     | ۶      |     |
|       | ۷     | ۷-۵   | ۷-۳-۲ | ۷      |     |

۱۲) طراحی و اعتبار سنجی مدل امکان سنجی توسعه مدارس...

| تکرار | مقوله | خروجی | ورودی | اشتراک | سطح |
|-------|-------|-------|-------|--------|-----|
| دوم   | ۱     | ۳-۲-۱ | ۶-۴-۱ | ۱      |     |
|       | ۲     | ۷-۲   | ۲-۱   | ۲      |     |
|       | ۳     | ۷-۳   | ۳-۱   | ۳      |     |
|       | ۴     | ۴-۱   | ۴     | ۴      |     |
|       | ۶     | ۴-۱   | ۴     | ۴      |     |
|       | ۷     | ۷     | ۷-۳-۲ | ۷      | ۲   |
|       | ۱     | ۳-۲-۱ | ۶-۴-۱ | ۱      |     |
| سوم   | ۲     | ۲     | ۲-۱   | ۲      | ۳   |
|       | ۳     | ۳     | ۳-۱   | ۳      | ۳   |
|       | ۴     | ۴-۱   | ۴     | ۴      |     |
|       | ۶     | ۶-۱   | ۶     | ۶      |     |
|       | ۱     | ۱     | ۶-۴-۱ | ۱      | ۴   |
| چهارم | ۴     | ۴-۱   | ۴     | ۴      |     |
|       | ۶     | ۶-۱   | ۶     | ۶      |     |
|       | ۴     | ۴     | ۴     | ۴      | ۵   |
| پنجم  | ۴     | ۶     | ۶     | ۶      | ۵   |
|       | ۶     | ۶     | ۶     | ۶      | ۵   |

با توجه به نتایج جدول ۴ مشخص گردید که جنبه‌های شناسایی شده در مسیر توسعه مدارس کسب‌وکار شدند. مدل ساختاری مشخص شده مطابق با نتایج روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری در شکل شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.



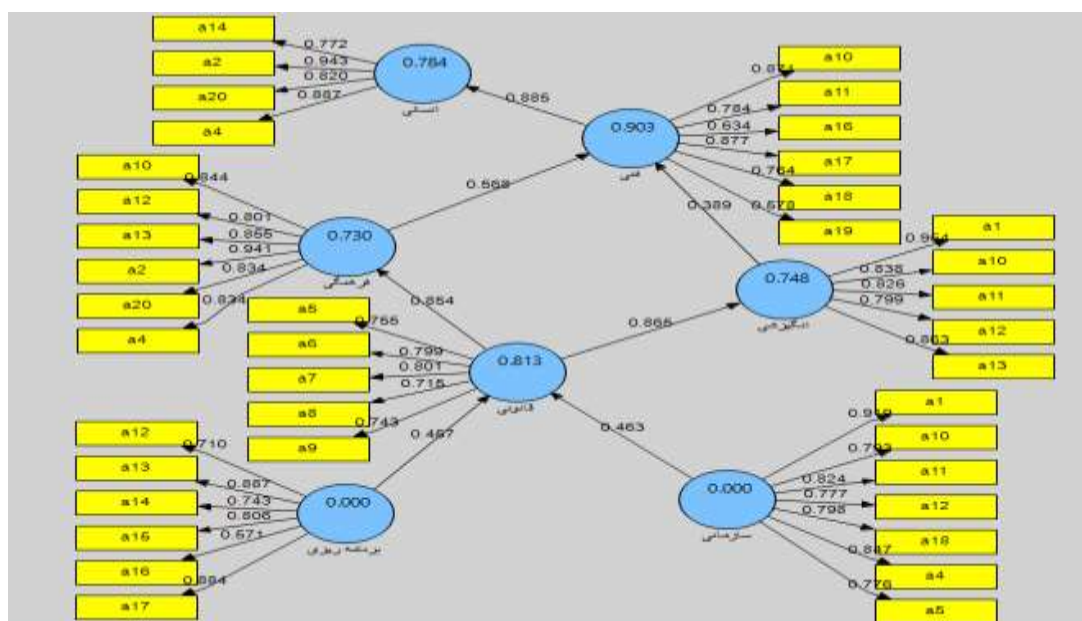
شکل ۱. مدل ساختاری تفسیری تحقیق

به منظور بررسی این موانع در بخش کمی از معادلات ساختاری استفاده شد. از این رو ابتدا از به وسیله شاخص کجی و کشیدگی به بررسی وضعیت طبیعی بودن توزیع داده‌های تحقیق پرداخته شد. با توجه به میزان این شاخص‌ها که بین دامنه +۳ و -۳ بود، می‌توان چنین اعلام داشت که توضیح داده‌ها، طبیعی می‌باشد. جدول شماره ۴ نتایج این شاخص‌ها را به نمایش گذاشته است.

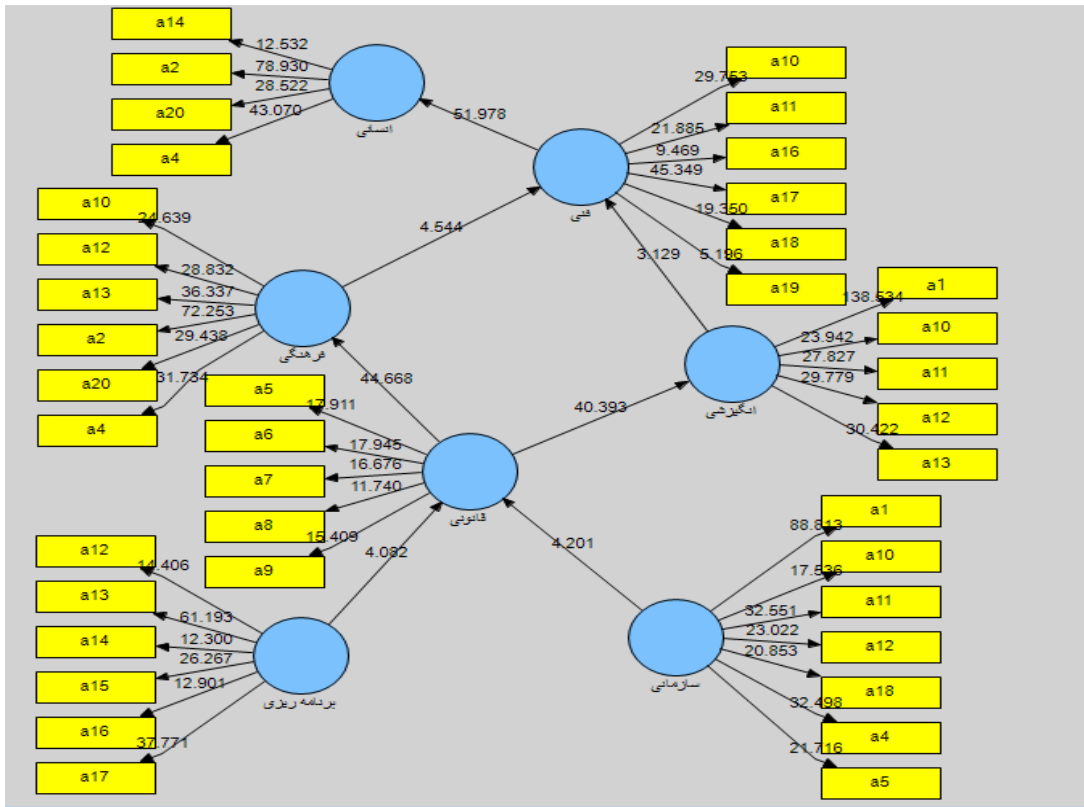
جدول ۴. شاخص‌های کجی و کشیدگی

| کشیدگی | کجی    | جنبه‌ها     |
|--------|--------|-------------|
| ۱/۲۴۱  | ۱/۲۰۷  | سازمانی     |
| -۲/۱۷۴ | ۰/۴۵۷  | برنامه‌ریزی |
| ۱/۵۸۷  | ۰/۶۸۷  | قانونی      |
| ۱/۹۸۷  | ۱/۱۷۹  | فرهنگی      |
| ۰/۸۷۴  | -۱/۰۳۶ | انگیزشی     |
| -۰/۹۸۵ | ۰/۷۸۸  | فنی         |
| ۱/۲۳۶  | ۱/۴۱۷  | انسانی      |

با توجه به نتایج جدول شماره ۴، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از آمار پارامتریک استفاده گردید. شکل ۲ و ۳ مدل اندازه‌گیری و میزان ضرایب معنی‌داری تی، مدل تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری تحقیق



شکل ۳. ضرایب معنی داری T تحقیق

جدول ۵ جمع بندی از مدل های اندازه گیری و ضرایب معنی داری تی مدل تحقیق را به نمایش گذاشته است.

جدول ۵. خلاصه نتایج آماری مدل تحقیق

| T      | تأثیر  | روابط  |
|--------|--------|--|
| ۴/۲۰۱  | ۰/۴۶۳  | تأثیر مستقیم جنبه‌های سازمانی بر جنبه‌های قانونی                         |
| ۴/۰۸۲  | ۰/۴۵۷  | تأثیر مستقیم جنبه‌های برنامه‌ریزی بر جنبه‌های قانونی                     |
| ۴۰/۳۹۳ | ۰/۱۸۶۵ | تأثیر مستقیم جنبه‌های قانونی بر جنبه‌های انگیزشی                         |
| ۴۴/۶۶۸ | ۰/۱۸۵۴ | تأثیر مستقیم جنبه‌های قانونی بر جنبه‌های فرهنگی                          |
| ۳/۱۲۹  | ۰/۳۸۹  | تأثیر مستقیم جنبه‌های انگیزشی بر جنبه‌های فنی                            |
| ۴/۵۴۴  | ۰/۵۶۸  | تأثیر مستقیم جنبه‌های فرهنگی بر جنبه‌های فنی                             |
| ۵۱/۹۷۸ | ۰/۱۸۸۵ | تأثیر مستقیم جنبه‌های فنی بر جنبه‌های انسانی                             |
| ۳/۴۷۵  | ۰/۲۷۴  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های برنامه‌ریزی بر انگیزشی به واسطه جنبه‌های قانونی |
| ۳/۱۴۷  | ۰/۲۵۴  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های برنامه‌ریزی بر فرهنگی به واسطه جنبه‌های قانونی  |
| ۳/۲۱۱  | ۰/۲۶۵  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های سازمانی بر انگیزشی به واسطه جنبه‌های قانونی     |
| ۳/۰۸۷  | ۰/۲۴۰  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های سازمانی بر فرهنگی به واسطه جنبه‌های قانونی      |
| ۳/۵۴۷  | ۰/۲۸۱  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های قانونی بر فنی به واسطه جنبه‌های فرهنگی          |
| ۳/۱۴۰  | ۰/۲۵۱  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های قانونی بر فنی به واسطه جنبه‌های انگیزشی         |
| ۲/۲۴۷  | ۰/۱۴۷  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های انگیزشی بر انسانی به واسطه جنبه‌های فنی         |
| ۳/۱۸۵  | ۰/۲۵۹  | تأثیر غیرمستقیم جنبه‌های فرهنگی بر انسانی به واسطه جنبه‌های فنی          |

نتایج تحقیق نشان داد که تمامی روابط مدل تحقیق به علت برخورداری از میزان تی بالاتر از ۱/۹۶، دارای تأثیر معناداری می‌باشد. به‌منظور بررسی برازش مدل تحقیق حاضر از شاخص‌های برازش مربوط روش معادلات ساختاری با رویکرد پی‌ال‌اس استفاده گردید. جدول ۶ نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل فوق را نشان می‌دهد.



جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل تحقیق

| برنامه -<br>ریزی | سازمانی | قانونی | انگیزشی | فرهنگی | فنی  | انسانی |
|------------------|---------|--------|---------|--------|------|--------|
| آلفای<br>کرونباخ | ۰/۸۲    | ۰/۸۷   | ۰/۸۵    | ۰/۸۶   | ۰/۸۸ | ۰/۸۱   |
| پایایی<br>ترکیبی | ۰/۸۴    | ۰/۹۰   | ۰/۸۶    | ۰/۸۹   | ۰/۹۰ | ۰/۸۵   |
| روایی<br>همگرا   | ۰/۶۲    | ۰/۶۰   | ۰/۴۲    | ۰/۵۸   | ۰/۴۹ | ۰/۵۰   |
| $R^2$            | -       | -      | ۰/۸۱    | ۰/۷۴   | ۰/۷۳ | ۰/۷۸   |
| $Q^2$            | ۰/۵۲    | ۰/۶۹   | ۰/۷۱    | ۰/۶۱   | ۰/۶۵ | ۰/۶۳   |
| <b>GOF</b>       | -       | -      | ۰/۷۵    | ۰/۶۷   | ۰/۶۸ | ۰/۷۰   |

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش تحقیق نشان داد که مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی جنبه‌ها در همه جنبه‌ها، بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. همچنین پایایی این پرسشنامه نیز با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ برای پرسشنامه روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری میزان ۰/۸۲ و برای پرسشنامه معادلات ساختاری میزان ۰/۸۷ مشخص گردید. همچنین نتایج تحقیق مشخص نمود که میزان روایی همگرا برای تمامی جنبه‌ها بالاتر از سطح معیار ۰/۴ می‌باشد که نشان‌دهنده مناسب بودن میزان روایی همگرا تحقیق می‌باشد. همچنین روایی واگرا در تحقیق حاضر نیز در قالب ماتریس جنبه در جنبه، مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین مطابق با شکل شماره ۱ تمامی بارهای عاملی مربوط به جنبه تحقیق، بیش از ۰/۴ می‌باشد که نشان‌دهنده مناسب بودن این معیار می‌باشد. با توجه به سه مقدار ۰،۱۹، ۰،۳۳ و ۰،۶۷ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای  $R^2$  معرفی شده است و در همه عوامل، مقدار بیشتر از ۰،۶۷ به دست آمد که نشان از مناسب بودن این شاخص دارد. با توجه به سه مقدار ۰،۰۲، ۰،۱۵ و ۰،۳۲ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای  $Q^2$  معرفی شده است و در همه عوامل، مقدار بیشتر از ۰،۳۲ به دست آمد که نشان از مناسب بودن این شاخص دارد. با توجه به سه مقدار ۰،۰۱، ۰،۲۵ و ۰،۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای  $GOF$  معرفی شده است و در همه جنبه‌ها، مقدار

بیشتر از ۰,۳۶ به دست آمد که نشان از برآزش کلی قوی مدل دارد. با این توجه مشخص گردید که مدل ارائه شده در تحقیق حاضر، از برآزش مناسبی برخوردار می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با نتایج بخش کیفی تحقیق، جهت توسعه مدارس کسب‌وکار هفت جنبه‌های انگیزشی، فنی، انسانی، قانونی، برنامه‌ریزی، سازمانی و فرهنگی نیاز می‌باشد. جنبه‌های شناسایی شده بازگوکننده این مهم می‌باشد که در مسیر بهبود و توسعه مدارس کسب‌وکار نیاز است تا شرایط و ویژگی‌های مختلف و متنوع ای را مدنظر قرار داد. بدین‌صورت جهت بهبود و گسترش مدارس کسب‌وکار ارتقا برخی جنبه‌های انگیزشی، فنی، انسانی، قانونی، برنامه‌ریزی، سازمانی و فرهنگی به‌خوبی درک می‌گردد. (Pfeffer & Fong (2004) اشاره داشتند که توسعه مدارس کسب‌وکار نیازمند توجه به جنبه‌های مختلفی می‌باشد و این مسئله فعالیت مدیران جهت بهبود مدارس کسب‌وکار را کمی دشوار می‌نماید. لذا می‌توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات (Pfeffer & Fong (2004) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد جهت بهبود و گسترش مدارس کسب‌وکار نیازمند تفکرات عمیق در این خصوص می‌باشد و نیاز است تا از برنامه‌های کلی چشم‌پوشی نمود و شرایط جهت بهبود جنبه‌های مختلفی از این مدارس را ایجاد نمود. وجود جنبه‌های مختلف همچنین بازگوکننده این مهم می‌باشد که در مسیر توسعه مدارس کسب‌وکار نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و شفاف می‌باشد که تمامی جنبه‌های موجود را تحت پوشش قرار دهد.

نتایج تحقیق حاضر مشخص نمود که جنبه‌های سازمانی و برنامه‌ریزی به‌واسطه نقش کلیدی خود سبب شکل‌گیری و ایجاد سایر جنبه‌ها می‌گردند. به عبارتی این جنبه‌ها به‌عنوان جنبه‌های کلیدی و حیاتی سبب تأثیرگذاری بر سایر جنبه‌ها می‌گردد. (Nejati & Mehdinia (2018 در تحقیق خود مشخص نمودند که ارتقاء شرایط سازمانی می‌تواند به ایجاد مدارس کسب‌وکار اقدام نمود. همچنین (Ranjith & Kulkarni (2018 مشخص نمودند که برخی شرایط مدیریتی و برنامه‌ریزی سبب می‌گردد تا زیرساخت‌های اولیه جهت توسعه مدارس کسب‌وکار فراهم گردد. (Agha Miri (2013 نیز در تحقیق خود مشخص نمودند که بهبود و توسعه مدارس کسب‌وکار درگرو ارتقا شرایط و زیرساخت‌های مدیریتی در محیط می‌باشد. این مسئله بازگوکننده این

واقعیت می‌باشد که جهت ارتقا مدارس کسب‌وکار نیاز است تا شرایط سازمانی و مدیریتی مناسبی فراهم گردد. به نظر می‌رسد بهبود شرایط سازمانی و برنامه‌ریزی سبب می‌گردد تا نظم مناسبی در روند فعالیت مدارس کسب‌وکار ایجاد گردد. به عبارتی مدارس کسب‌وکار به واسطه ارتقا شرایط مدیریتی و سازمانی خود سبب می‌گردند تا از منظر برنامه‌ریزی وضعیت مناسبی را دارا باشند. ارتقا جنبه‌های سازمانی و برنامه‌ریزی سبب می‌گردد تا بستر اولیه جهت ایجاد مدارس کسب‌وکار فراهم گردد. به عبارتی این جنبه‌ها زمینه‌ساز جهت تلاش‌های اولیه در توسعه مدارس کسب‌وکار می‌باشد. تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که جنبه‌های قانونی نیز نقش حیاتی در مدل تحقیق در روند بهبود و ارتقا سایر جنبه‌ها دارد. Winarno, Wijijayanti, Agustina, Churiyah & Basuki (2019) در تحقیق خود مشخص نمودند که شرایط قانونی و حقوقی نقش حمایتی مناسب در روند شکل‌گیری و توسعه مدارس کسب‌وکار دارد. بدون شک جنبه‌های قانونی در صورتی که همراستا با شرایط و ویژگی‌های محیط باشند، سبب می‌گردند تا نقش حمایتی و پشتیبانی از مدارس کسب‌وکار در مسیر توسعه داشته باشند. جنبه‌های قانونی به‌عنوان یک پوشش نظارتی در مدارس کسب‌وکار ضمن حمایت از این مدارس، سبب می‌گردد تا کنترل لازم در راستای تحقق اهداف این مدارس نیز ایجاد گردد. از طرفی این جنبه‌ها خود می‌تواند به‌عنوان یک ضامن اعتباری، به مدارس کسب‌وکار اعتبار ببخشد.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که حمایت‌های دولتی و همچنین محتوای علمی و عملی از دیگر عوامل مهم در جهت توسعه مدارس کسب‌وکار می‌باشد. حمایت‌های دولتی به‌واسطه رفع مشکلات فعلی مدارس کسب‌وکار و ایجاد بستری مناسب جهت توسعه این مدارس، می‌تواند نقش مهمی در جهت دستیابی این مدارس به اهداف خود داشته باشد. Brink, Palmer & Costigan (2018) در تحقیق خود مشخص نمود که بهبود و گسترش مدارس کسب‌وکار نیازمند حمایت‌های دولتی می‌باشد. به نظر می‌رسد حمایت‌های دولتی سبب می‌گردد تا فرایند شکل‌گیری و ایجاد مدارس کسب‌وکار کوتاه شود و مشکلات حقوقی، قانونی، مالی و زیرساختی؛ این مدارس را تهدید نکند. به عبارتی افزایش حمایت‌های دولتی از مدارس کسب‌وکار می‌تواند خود تضمینی بر موفقیت این مدارس در بهبود معضلات در خصوص اشتغال، کارآفرینی و کسب‌وکار در کشور ایران گردد. دولت به‌عنوان متولی کسب‌وکار در کشور می‌تواند با حمایت از مدارس کسب‌وکار و ایجاد نظم و انضباط در تأسیس و توسعه این مدارس، نقش مهمی در توسعه کسب‌وکار در کشور داشته باشد.

توسعه مدارس کسب‌وکار به‌عنوان از مسائل مهم در رفع معضلات مربوط به اشتغال، اقتصاد، کارآفرینی و کسب‌وکار مشخص می‌باشد. کارکردهای مدارس کسب‌وکار در آموزش و پرورش استعدادها سبب گردیده است تا از آن در کشورهای پیشرفته استفاده لازم برده شود. این مسئله سبب گردیده است تا نیاز به توسعه مدارس کسب‌وکار در کشور ایران بهبود یابد. جهت بهبود و توسعه این مدارس پیشنهاد می‌گردد تا با هم‌راستایی اهداف مدارس کسب‌وکار با اهداف شغلی و کارآفرینی کشور و همچنین هدف‌گذاری مناسب برای متقاضیان در مدارس کسب‌وکار متناسب با ویژگی‌ها و مهارت‌های آنان به شکل‌گیری اهداف عالی در این مدارس و متقاضیان اقدام نمود. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در خصوص کسب‌وکارهای موجود، اطلاعات و دانش کلی در این خصوص ایجاد نمود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد ارتباط مناسب میان مدارس کسب‌وکار و صنایع مختلف، به تأثیرگذاری این مدارس در توسعه مهارت‌های مربوط به کسب‌وکار اقدام نمود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا با افزایش جلب حمایت مدیران ارشد کشوری و استانی در جهت توسعه مدارس کسب‌وکار، حمایت‌های معنوی و مادی این افراد را کسب نمود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا ارتقا همکاری‌های بین‌سازمانی جهت توسعه مدارس کسب‌وکار از ظرفیت‌های موجود ملی جهت توسعه این مدارس استفاده لازم را برد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا تنظیم آیین‌نامه‌های مقرراتی و حمایتی از مدارس کسب‌وکار و برخورد قاطع دولت با متخلفان و مدارس غیرقانونی کسب‌وکار به متناسب‌سازی فضای ملی جهت توسعه این مدارس اقدام نمود. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با مشخص نمودن بسترهای کاری و تجاری در عرصه صنعت توسط مدارس کسب‌وکار و همچنین انطباق آموزش‌های انجام‌شده در مدارس کسب‌وکار با نیازهای واقعی جامعه اقدام نمود. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با ارتقا زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس کسب‌وکار، به بهبود عملکرد این مدارس اقدام نمود.

## منابع

- Brink, K. E., Palmer, T. B., & Costigan, R. D. (2018). Business school learning goals: Alignment with evidence-based models and accreditation standards. *Journal of Management & Organization, 24(4)*, 474-491.
- Ehsanifar, T., Rostami, F., Naderi, N., & Khoshkhoy, Sh. (2017). *Investigation of Sustainability Indicators in Agricultural Entrepreneurial Activities. Journal of Entrepreneurship in Agriculture. 4(1)*, 19-36. (In Persian)
- Eshima, Y., & Anderson, B. S. (2017). Firm growth, adaptive capability, and entrepreneurial orientation. *Strategic Management Journal, 38(3)*, 770-779.
- Fellnhofer, K. (2017). Drivers of innovation success in sustainable businesses. *Journal of Cleaner Production, 167*, 1534-1545.
- Glen, R., Suciu, C., & Baughn, C. (2014). *The need for design thinking in business schools*. *Academy of Management Learning & Education, 13(4)*, 653-667.
- Hajiaghai, H., & Khalkhali, A. (2019), Monitoring the Entrepreneurship Ecosystem in Iranian Schools. *Journal of School Administration, 7(2)*, 166-190.
- Hovaida, R., Ghafari, Kh., & Dolatia, A. (2018). "Entrepreneurship, Entrepreneurship School, Entrepreneurship School Requirements", First National Conference on Entrepreneurship Schools (Approaches, Theories, Dimensions and Practical Businesses from Successful Countries), Isfahan, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan). (In Persian)
- Jalaly, S. (2013). Sampling in qualitative research, *Journal of Qualitative Research in Health Sciences, 1(4)*, 310-319.
- Khazaei Pol, M., Zarei, H., Zarangareian, Y., & Bahmani, N. (2011). Investigating the Impact of Innovation on the Internationalization of Small and Medium Businesses. *Second National Conference on Management of Research and Technology, Tehran, Science, Technology and Industry Policy Institute. 1-13*. (In Persian).
- Kondoh, S., & Mishima, N. (2011). *Proposal of cause-effect pattern library for realizing sustainable businesses*. *CIRP Annals-Manufacturing Technology, 60(1)*, 33-36.
- Lejeune, C., Starkey, K., Kalika, M., & Tempest, S. (2018). *The impact of business schools: increasing the range of strategic choices*. *Management International, 7*, 1-19.

- Majlis News Agency. (2011). *the unemployment rate of higher education graduates is above 18%*. Retrievable via 170588 / news / en / ir.icana: // h. (In Persian).
- Mintzberg, H. (2009). *Managing*. San Francisco, CA: Berrett-Koehler.
- Mitroff, I., Alpaslan, C. M., & O'Connor, E. (2014). *Everybody's business: Reclaiming true management skills in business higher education*. New York, NY: Palgrave MacMillan
- Nasr Esfahani, H., Shahin, H., Hekmat Panah, M., & Nasry, M. (2019). The Philosophy of Entrepreneurial Schools and Management in Entrepreneurial Schools and the Role and Impact of Entrepreneurship Books in Entrepreneurial Schools and High Schools in Iran. *The First National Conference of Entrepreneurial Schools (Approaches, Theories, Dimensions and Practical Successful Countries), Isfahan, Islamic Azad University of Isfahan, Khorasgan, 1-12*.
- Nejati, F., & Mehdinia, J. (2018). Appropriate Model of Managerial Progress for Entrepreneurial School Managers, *First National Conference of Entrepreneurial Schools (Approaches, Theories, Dimensions and Practical Businesses of Successful Countries), Isfahan, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) - Iran Educational Management Association, Isfahan Branch. 1-12. (In Persian)*.
- O'Connor, E. S. (2011). *Creating new knowledge in management, appropriating the field's lost foundations*. Palo Alto: Stanford Business Books.
- Peters, M., Kallmuenzer, A., & Buhalis, D. (2018). *Hospitality entrepreneurs managing quality of life and business growth*. Current Issues in Tourism, 1-20.
- Pfeffer, J., & Fong, C. T. (2004). The business school 'business': Some lessons from the US experience. *Journal of management studies, 41(8), 1501-1520*.
- Ranjith, P. V., & Kulkarni, S. (2018). *STUDENTS PERCEPTION AND SATISFACTION ABOUT TEACHING LEARNING PROCESS OF A BUSINESS SCHOOL IN THE CITY OF MUMBAI*. INDIAN JOURNAL OF APPLIED RESEARCH, 8(4).
- Ristami, F., Geravandi, Sh., & Zarafshani, K. (2011). Phenomenology of Students' Experiences in Business Establishment: A Case Study of Students of Razi Campus of Agriculture and Natural Resources, Kermanshah University. *Journal of Entrepreneurship. 14. ,7-106. (In Persian)*.

- Rodríguez, M. A., & Fraile, A. E. B. (2018). Embedding corporate social responsibility within business school programs, policies, procedures, and practice. *Academic social Responsibility: Sine Qua Non for Corporate Social Performance*, 51, 1-17.
- Ryazanova, O., McNamara, P., & Aguinis, H. (2017). Research performance as a quality signal in international labor markets: Visibility of business schools worldwide through a global research performance system. *Journal of World Business*, 52(6), 831-841.
- Taghipour, K., Etebarian, A., & Taghipour, F. (2019). Relationship between Entrepreneurship Personality with Tendency to Entrepreneurship among Elementary School Managers. *Journal of School Administration*, 7 (4), 393-376.
- Turker, D., and Selcuk, S.S. (2009). Which factors affect entrepreneurial intention of university students? *Journal of European Industrial Training*, 33(2), 142-159.
- Winarno, A., Wijjayanti, T., Agustina, Y., Churiyah, M., & Basuki, A. (2019). Integration of vocational school and small-medium enterprises (smes) learning: an effort of elevating entrepreneurship spirit based on strength and weakness in east java. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 25(1), 1-11.